

نیاز به درگاه بر نیاز

صبا

«و همان گونه که شما را بار نخست آفریدم امروز تنها نزد ما آمده اید و آنچه به شما داده بودیم پشت سر خویش - در دنیا - وا گذاشتید...» (آیه ۹۴ سوره انعام)

خدایا آمده ام، شرمسار و خجل ولی امیدوار آمده ام، منم، همان بنده گریز یا، همان که عهد می شکند و پرده دری می کند، همان که پرده پوشی هایت او را گستاخ کرده، آری باز هم آمده ام.

درد تو بهتر از درمان کسان
رد تو بهتر از احسان خسان

آمده ام که با تو سخنانی از جنس دل بگویم، زانو بغل بگیرم، چشمی تر کنم و عفو تو را تقاضا کنم. آمده ام تا به یاد بیاورم همه داشته هایم بی حضور تو، سراسری بیش نیست.

گر به همه عمر خویش با تو برآمدمی حاصل عمر آن دم است، باقی ایام رفت آمده ام بگویم با همه این بدی هایم باز هم به جز تو کسی را ندارم، آمده ام تا از غضب و سخط تو به رحمت خودت پناهنده شوم، چرا که به تو نه در حد گناه خویش که به عظمت رحمت تو که هیچ کس کران آن را نمی داند، نگاه می کنم.

این که همیشه در برابر گناهان بشمارم مورد

رحمت و عنایت تو قرار گرفته ام مرا آن چنان به لطف امیدوار کرده که در این شب های عاشقی قدر، از تو درخواست عنایت هایی می کنم که به بندگان خاص خود عنایت می کنی.

هر چند مغلسم نپذیرم عقیق خرد کان عقیق نادر از انم از روست (مولوی)

خدایا، آمده ام در جمع خوابانت تا همراه مناجات های عاشقانه و صادقانه آن ها، من هم بگویم «سبحانک یا لا اله الا انت» و حالا که رحمت فراگیر شده و آسمانیان با اهل زمین در تسبیح تو همنوا شده اند، به پشتوانه لطف با امیدواری فریاد بزنم «الغوث الغوث، خلصنا من النار یارب»

